

ساحل رؤیاها

لورا می اشلیتس

مترجم: مطهره براهیمزاده

سرشناسه : شلیتس، لورا ایمی، ۱۹۵۵ - م. Schlitz, Laura Amy
 عنوان و نام پدیدآور : ساحل رویاها / لورامی اشلیتس؛ مترجم مطهره ابراهیم زاده.
 مشخصات نشر : قم : نگاه آشنا، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری : ۲۳۲ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۰۱-۰۵-۰
 وضعیت فهرست نویسی : فیپا
 یادداشت : عنوان اصلی : A drowned maiden's hair : a melodrama, 2006.
 عنوان دیگر : تعبیر یک خواب دریایی.
 موضوع : داستان های نوجوانان آمریکایی -- قرن ۲۱ م.
 موضوع : Young adult fiction, American -- 21st century
 شناسه افزوده : ابراهیم زاده، مطهره، ۱۳۷۶-، مترجم
 رده بندی کنگره : PS۳۶۱۶
 رده بندی دیویی : ۸۱۳/۶ [ج]
 شماره کتابشناسی ملی : ۷۶۱۴۴۸۹
 وضعیت رکورد : فیپا

ساحل رویاها

نویسنده: لورامی اشلیتس
 مترجم: مطهره ابراهیم زاده
 ناشر: نگاه آشنا
 طراحی جلد: استودیو کتاب
 صفحه آرای: زیبا کتاب
 تاریخ و نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰
 شمارگان: ۵۰۰ نسخه
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۰۱-۰۵-۰



قم، بلوار سمیه، سمیه ۲۶، پلاک ۱۹

۰۲۵-۳۷۸۳۹۸۳۶

۰۲۵-۳۷۸۳۹۸۳۷

۰۲۵-۳۷۷۳۴۹۳۹

۰۹۱۲۱۵۱۰۴۸۴

کلیه حقوق این اثر ترجمه، متعلق به
 «انتشارات نگاه آشنا» می باشد و
 هرگونه خرید و فروش با مترجم و یا
 کپی از متن کتاب غیرقانونی بوده و
 قطعاً پیگرد قانونی خواهد داشت.



فهرست

فصل اول	۹
فصل دوم	۱۵
فصل سوم	۲۰
فصل چهارم	۲۶
فصل پنجم	۳۱
فصل ششم	۴۰
فصل هفتم	۴۴
فصل هشتم	۵۶
فصل نهم	۶۵
فصل دهم	۷۳
فصل یازدهم	۸۲
فصل دوازدهم	۸۸
فصل سیزدهم	۹۴
فصل چهاردهم	۱۰۰
فصل پانزدهم	۱۰۸
فصل شانزدهم	۱۱۸
فصل هفدهم	۱۲۹
فصل هجدهم	۱۳۶
فصل نوزدهم	۱۴۲
فصل بیستم	۱۵۴
فصل بیست و یکم	۱۶۱
فصل بیست و دوم	۱۷۰

۱۸۱.....	فصل بیست و سوم
۱۸۷.....	فصل بیست و چهارم
۱۹۹.....	فصل بیست و پنجم
۲۰۵.....	فصل بیست و ششم
۲۱۶.....	فصل بیست و هفتم
۲۲۴.....	فصل بیست و هشتم



شن‌های رودخانه دی^۱
اثر چارلز کینگزلی
گله را به خانه بیاور، هی مری!
از آن طرف ساحل رودخانه دی
گله را به خانه بیاور، هی مری!

باد غربی به شدت می‌وزید
هوا مرطوب بود و باد شدید
تنهای تنها می‌رفت مری

موجی از غرب به شن‌های ساحل خورد
شن‌ها به صدا درآمدند با هر برخورد
موج آنان را غلت زنان با خود برد
تا جایی که مری دیگر آن‌ها را ندید

همه جا تار شد، مهی سررسید
او هرگز به خانه برنگشت، آه مری!

آن چیست که در دریا شناور شده
علف، ماهی یا یک دسته موی غرق شده؟
شاید دسته موی طلایی دخترکی غرق شده
که در تور دریا گیرکرده و بند شده

پولک هیچ ماهی هرگز ندرخشید
در میان سنگ‌های رودخانه دی.

با پارو از میان امواج خروشان
بیرون آوردند پیکرش را مردان
در کنار دریا دفنش کردند قایق‌سواران
ولی هنوز صدایش را می‌شنوند آنان
که گله را صدا می‌زند هان! ای هان



فصل اول

ماد فیلین^۱، در صبح بهترین روز زندگی‌اش در دستشویی بیرون ساختمان زندانی شده بود و سرود نبرد جمهوری را برای خودش می‌خواند. او را برای تنبیه در آنجا زندانی کرده بودند. یتیم‌خانه دخترانه باربری^۲ خیلی شلوغ بود. تقریباً هیچ‌یک از اتاق‌های ساختمان آجری و بزرگ یتیم‌خانه بلااستفاده نمانده بود؛ به همین خاطر مکان‌های کمی برای زندانی کردن دختری که بدرفتاری کرده وجود داشت. دستشویی یکی از این مکان‌ها بود و خیلی هم به درد این کار می‌خورد؛ چون بچه‌ها از آنجا نفرت داشتند. باینکه سرایدار هرروز دستشویی را می‌سایید و تمیز می‌کرد بازهم بوی بدش عقل از سر آدم می‌پراند. آنجا فقط یک پنجره مرتفع داشت که خیلی کوچک و باریک بود و فقط به قدری دستشویی را روشن می‌کرد تا به آدم نشان دهد که آنجا پر از عنکبوت است. ماد همیشه جلوی بقیه لاف می‌زد که از عنکبوت‌ها نمی‌ترسد؛ اما حالا که آنجا روی نیمکت چوبی نشسته بود و پاهایش را تاب می‌داد حالش با بقیه بچه‌ها فرقی نداشت. هر خارش که رو بدنش احساس می‌کرد فکر می‌کرد که یک عنکبوت دارد روی بدنش راه می‌رود.

اولین بخش سرود را تمام کرد به سراغ بخش بعدی رفت. دستشویی خیلی سرد بود و سرود خواندن باعث می‌شد گرما در بدنش جریان پیدا کند. البته ماد هدفی دیگری هم برای سرود خواندن داشت؛ او می‌خواست به همه کسانی که از آن نزدیکی رد می‌شدند بفهماند که روح ماد فیلین آسیب‌ناپذیر است و او هرگز پا پس نخواهد کشید. او تصور می‌کرد که این سرود در رابطه با جنگ و برده‌داری است و با خواندن آن سعی داشت که در برابر مسئولان یتیم‌خانه قد علم کند و مشت محکمی بر دهان روز مزخرفی که گریبان گیرش شده بود بکوبد.

1. Maud Flynn

2. Barbary

آن روز قرار بود دو دوشیزه، خواهران هاوتورن^۱، به یتیم‌خانه بیایند و سرپرستی یک دختر هشت یا نه ساله به عهده بگیرند؛ ماد یازده سال داشت و بنابراین به درد آن‌ها نمی‌خورد. سه دختری که احتمال انتخاب شدنشان وجود داشت، یعنی پالی^۲، میلیسنت^۳ و ایرما^۴، حسابی مورد توجه و رسیدگی قرار گرفته بودند که به نظر ماد اصلاً منصفانه نبود. شب قبل با آب گرم حمام کرده بودند، باینکه نه چهارشنبه بود و نه شنبه، و موهایشان را هم مرتب و فر کرده بودند. نوترین دست از لباس فرم چهارخانه آبی‌رنگ را برایشان شسته بودند، رفو کرده بودند و آهارزده بودند تا یک سرو گردن بهتر از بقیه بچه‌ها به چشم بیایند. در نتیجه، این سه دختر تا جایی که امکانات محدود یتیم‌خانه اجازه می‌داد، تمیز و موفر فرفری و موقر شده بودند. ماد معتقد بودند که ظاهر مرتب و آراسته این دخترها جو یتیم‌خانه را سنگین و گرفته کرده است. موهای ماد نازک و کم‌پشت بود و تحت هیچ شرایطی حالت نمی‌گرفتند.

به همین خاطر ماد روزش را با موجی از حسادت آغاز کرد و مجاورت دخترها باعث شد که آتش حسادت در وجودش شعله‌ورتر شود. ماد نسبت به سنش جثه کوچکی داشت؛ به حدی کوچک و نحیف بود که همراه با پالی، میلیسنت و ایرما پشت یک نیمکت می‌نشست؛ وقتی خانم کلارک^۵ مشغول خواندن دعای صبحگاهی بود، ماد موهای میلیسنت را کشید و به پالی لگد زد. ایرما در دسترسش نبود اما تمام مدت به او خیره شده بود و به محض اینکه او در محاسباتش دچار مشکل شد، پقی زد زیر خنده. با این کارها حسابی وجهه خودش را پیش معلمشان، خانم کلارک، خراب کرد. در کلاس تاریخ، تمام مدت پایش را تکان می‌داد و پنجه‌هایش را به کف زمین می‌کشید؛ این کارش حواس همه کلاس را پرت کرده بود. صدای خش‌خش کفشش خیلی بلند نبود اما آزاردهنده بود. وقتی خانم کلارک از او خواست که این کار را نکند، با چشمانی نیمه‌باز به معلم خیره شد و به کارش ادامه داد.

رفتارش دیگر برای خانم کلارک قابل تحمل نبود. او معلمی بدجنس و یا سخت‌گیر نبود، اما نمی‌توانست دانش‌آموزی را که جلوی بقیه بچه‌ها به او بی‌احترامی می‌کند تحمل کند. به طرف مادر رفت و او را از سر جایش بلند کرد. قلب ماد از ترس تند تند می‌زد. خودش هم می‌دانست که پایش را از گلیمش درازتر کرده است و حتماً به خاطر رفتارش تنبیه خواهد شد. تنها امیدش این بود که بتواند خودش را کنترل کند و جلوی بقیه بچه‌ها گریه نکند.

1. Hawthorne

2. Polly

3. Millicent

4. Irma

5. Miss Clarcke